

«شوک‌درمانی» در اقتصاد نولیبرالی

خسرو صادقی بروجنی

اساسی گفت: «سیاست‌های برنامه‌ چهارم توسعه که براساس اجماع واشنگتنی تدوین شده به دولت نهم ارث رسیده است.» (روزنامه‌کیهان، ۸۷/۳/۷). اما در مورد آثار و نتایج و ابزارهای اجرای سیاست‌های مزبور در مناطق گوناگون جهان، پژوهش‌های زیادی انجام گرفته و مقالات و کتاب‌های متعددی به نگارش در آمده است که کتاب **دکترین شوک** یکی از مهم‌ترین آن‌هاست.

*

کتاب **دکترین شوک؛ ظهور سرمایه‌داری فاجعه** توسط نائومی کلاین (Naomi Klein) ژورنالیست و

فعال سیاسی ضدجهانی‌سازی کانادایی در سال ۲۰۰۷ نوشته شده است. نائومی کلاین که از دانشگاه کینگزلی کالج کانادا دارای دکترای افتخاری در حقوق مدنی است در عرصه روزنامه‌نگاری، نویسندگی و ساختن فیلم جوایزی را نصیب خود کرده و تألیفات وی به نزدیک به ۳۰ زبان ترجمه شده است. وی در نظرخواهی اینترنتی سال ۲۰۰۵ که توسط مجله سیاست خارجی صورت گرفت، مکان یازدهمین روشنفکر برتر جهان (و اولین روشنفکر زن) را از آن خود کرد.

دکترین شوک که تاکنون به بیش از ۲۰ زبان ترجمه و دست کم در ۳۵ کشور منتشر شده است، بر پایه تحقیقات تاریخی و چهارسال گزارش میدانی نائومی کلاین تهیه شده و یکی از آثار کم‌نظیر در پرده برداشتن از پیچیده‌ترین طرح‌های اقتصادی - سیاسی برنامه‌های نولیبرالی «اجماع واشنگتن» و آثار اجتماعی و اقتصادی برنامه‌های مزبور است.

این اثر که به ترجمه مهرداد (خلیل) شهابی و میرمحمود نبوی توسط نشر کتاب آمه منتشر شده است چهارمین دفتر از مجموعه کتاب‌های «پشت پرده مخملین» است.^۲

کتاب نشان می‌دهد که چگونه اجرای برنامه‌های اقتصادی نولیبرالی، از جمله نسخه‌های تجویزی صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی، نیازمند این بوده است که جامعه از طریق شوک، وادار به اطاعت و پذیرش برنامه‌هایی این چنین شود که در شرایط عادی برای توده‌های مردم بسیار نامطلوب است. مطالب و مستندات کتاب پایانی بر این اسطوره است که بازار آزاد جهانی در روندی دموکراتیک به فتح و پیروزی رسیده است. کلاین مستقیماً اقتصاددانان نظم نوین



دکترین شوک؛ ظهور سرمایه‌داری فاجعه. نائومی کلاین. ترجمه مهرداد (خلیل) شهابی و میرمحمود نبوی. تهران: کتاب آمه، ۱۳۸۹. ۷۳۸ ص. ۱۶۰۰۰۰ ریال.

«اون قدر فشارتون می‌دیم تا خوب تخلیه شید. بعدم خودمون پُرتون می‌کنیم» (رمان ۱۹۸۴، جورج اورول)

اشاره

در این نوشتار، هدف نگارنده بیش از آن‌که فقط معرفی کتابی تازه منتشر شده باشد، پرداختن به یکی از مهم‌ترین تحولات اقتصادی چند دهه اخیر است که ورای درون‌مایه اقتصادی‌اش، در ابعاد اجتماعی و سیاسی نیز اثرگذار بوده است.

این دسته از سیاست‌ها و برنامه‌های اقتصادی که به «اجماع واشنگتن»^۱ معروف شده‌اند، طی دو دهه گذشته در اکثر کشورهای کم توسعه در آسیا و آفریقا و امریکای لاتین و همچنین در واکنش به بحران‌های اقتصادی کشورهای توسعه یافته، در این دسته از کشورها نیز اجرا شده‌اند و دارای آثار و نتایجی بوده‌اند که بررسی هر یک از آن‌ها موضوع یک پژوهش گسترده و موردی می‌تواند باشد.

سیاست‌های نولیبرالی «اجماع واشنگتن» که برنامه‌هایی چون کاهش نقش دولت در اقتصاد (خصوصی‌سازی)، کاهش و حذف یارانه‌ها و سلطه مناسبات بازار بر عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی جامعه را دربر می‌گیرند، در ایران پس از جنگ نیز در قالب برنامه‌های «تعدیل ساختاری» سرلوحه برنامه‌های توسعه سیاسی و اقتصادی قرار گرفتند. در نیمه دوم دهه ۷۰ شمسی و نیمه اول دهه ۸۰، گرچه اجرای این سیاست‌ها روند محافظه‌کارانه تری به خود گرفت اما جهت‌گیری کلی سیاست‌های توسعه کشور همسو با اصول «اجماع واشنگتن» بوده است.

از سال ۱۳۸۴ و شروع به کار دولت نهم، اجرای این اصول دوباره روند شتابانی به خود گرفته است و بن‌مایه اصلی طرح موسوم به «تحول اقتصادی» را اصول موضوعه «اجماع واشنگتن» در بر می‌گیرد. همچنین اصرار دولت‌های نهم و دهم بر اجرای سریع‌تر خصوصی‌سازی و هدفمندکردن (حذف) یارانه‌ها را باید در همین جهت به شمار آورد.

به طوری که حسن سبحانی عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس هفتم در همایش بررسی سیاست‌های اصل ۴۴ قانون

جهانی، یعنی میلتنون فریدمن و نیز دیگر کارگزاران «مکتب اقتصادی شیکاگو» را هدف می‌گیرد و توضیح می‌دهد که چگونه سیاست‌های اقتصادی آن‌ها در کشورهای مکتب‌شیلی در دوران دیکتاتوری پینوشه، روسیه در دوران یلتسین، امریکای پس از طوفان کاترینا و عراق پس از اشغال نظامی توسط امریکا، پیش برده شده است. پیش بردن این سیاست‌ها نه با روندی دموکراتیک که با سوءاستفاده از شوک‌زدگی مردم در اثر فاجعه صورت گرفته است. کلاین تا آنجا پیش می‌رود که سعی می‌کند نشان دهد بعضی از این فاجعه‌ها اصلاً به قصد ایجاد شوک و پیش بردن این سیاست‌ها ایجاد شده‌اند.

کلاین در ابتدای مقدمه کتاب با آوردن نقل قولی از «دکترین نظامی امریکا برای جنگ با عراق» می‌نویسد: «عملیات شوک و ارباب شامل هراس‌آفرینی‌ها، ایجاد مخاطرات و ویران‌گری‌هایی است که برای عامه مردم، نیز عناصر و بخش‌های مشخصی از جوامع تهدیدکننده ما و رهبران‌شان غیر قابل درک است. طبیعت نیز با گردبادها، توفان‌های سهمگین، زلزله‌ها، سیل‌ها، آتش‌سوزی‌های مهارنشده، قحطی‌ها، و بیماری‌ها می‌تواند «شوک و ارباب» ایجاد کند» (ص ۱۷).

به باور وی «دکترین شوک» این‌سان عمل می‌کند: «در اثر فاجعه اصلی (مثلاً یک کودتا، حمله‌ای تروریستی، فروپاشی بازار، جنگ، سونامی، یا توفان)، یک حالت شوک همگانی بر تمام جمعیت مستولی می‌شود. درست همان‌گونه که موزیک کرکننده و ضربات درون سلول بازجویی زندانی را سست می‌کند و به راه می‌آورد، فرو ریختن بمب‌ها، موج ترور، و توفان‌های درهم‌کوبنده نیز در خدمت سست کردن و به راه آوردن کل جامعه قرار می‌گیرد. درست مثل زندانی وحشت‌زده‌ای که نام رفقایش را لو می‌دهد و از باورهایش رویگردان می‌شود، جوامع شوکه شده نیز غالباً از چیزهایی که در حالت عادی سرسختانه از آن‌ها محافظت می‌کردند دست برمی‌دارند. آن‌چه بر سر انسان‌های قربانی شوک و آن‌چه بر سر جوامع قربانی شوک می‌آید به نوعی با یکدیگر مرتبط است: همه این‌ها تجلیات متفاوت یک منطق واحد بسیار دهشتناک است» (ص ۱۰) نظریه پردازان و مجریان سیاست‌های دکترین شوک معتقدند تنها یک «شوک» و «گسست بزرگ» می‌تواند «لوح سفید و نانوشته‌ای» را برای آن‌ها ایجاد کند تا از آن برای ساختن دنیایی نو و اجرایی کردن برنامه‌های نولیبرالی‌شان استفاده کنند.

این نظریه اقتصادی‌دانان بازار آزاد شباهت زیادی به نظریات دکتر ایون کامرون (Ewen Cameron) رئیس «انستیتوی روان‌پزشکی دانشگاه مک‌گیل» کانادا و رئیس «انجمن روان‌پزشکی امریکا» در دهه ۱۹۵۰ دارد. بر خلاف فروید، که باور داشت با گفتار درمانی می‌توان به علل ریشه‌ای مشکلات روانی پی برد، دکتر کامرون معتقد بود که با واردن آوردن شوک به مغز انسان‌ها، می‌توان ذهن‌های معیوب را تهی کرد، از هر چیزی زدود و سپس شخصیت‌های جدیدی را بر «لوح‌های پاک نانوشته» ترسیم کرد (ص ۱۱). این پدیده را به‌روشنی می‌توان در بازداشت و اعتراف‌گیری از نویسندگان، روزنامه‌نگاران و فعالان سیاسی مخالف توسط نظام‌های توتالیتر مشاهده کرد. این عده که پیش از بازداشت شدن بر مواضع خود پافشاری می‌کردند، پس از مدتی در تلویزیون ظاهر می‌شوند، از گذشته خود اظهار ندامت می‌کنند و کاملاً با خواست‌های نظام‌های توتالیتر هم‌سو می‌گردند. این روش همانند آن چیزی است که جورج

بر اساس این کتاب، میلتنون فریدمن مبدع نظریه شوک و نهادهای مالی بین‌المللی‌ای مثل صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی مجریان آن هستند. فریدمن استاد دانشگاه شیکاگو تأکید می‌کند که شوک باید قبل از آن که مردم به خود بیایند اعمال شود. او معتقد است که دولت باید ظرف ۶ تا ۹ ماه تحولات اساسی مورد نظر اقتصاد بازار آزاد را پیاده کند. صندوق بین‌المللی پول هم راه حل‌های اجرایی و عملی خود را با اتکا به همین روش تجویز می‌کند. فریدمن و حامیان‌ش، به دلیل ناتوانی از به کرسی نشاندن این سیاست‌ها از طریق دموکراتیک، به قدرت شوک روی می‌آورند.

اورول در رمان ۱۹۸۴ در مورد عملکرد یک نظام توتالیتر بیان می‌دارد: «اون قدر فشارتون می‌دیم تا خوب تخلیه شید. بعدم خودمون پرتون می‌کنیم» (ص ۴۷).

کامرون، علاوه بر این‌که در ابداع شیوه و شگردهای معاصر شکنجه برای ایالات متحده نقشی محوری ایفا کرد، با آزمایش‌هایش منطق بنیادی «سرمایه‌داری فاجعه» را نیز به نحو بی‌مانندی آشکار ساخت (ص ۱۱).

کلاین با اشاره به مشاهدات خود در نیواورلئان و شوکی که در نتیجه گردباد کاترینا و سیل حاصل از آن بر مردم وارد شده بود، این سیل و شوک حاصل از آن را فرصتی برای اجرای سریع‌تر سیاست‌های نولیبرالی در جهت خصوصی‌سازی بیشتر می‌داند. سیل باعث خرابی و از بین رفتن خانه‌های دولتی‌ای شده بود که سیاه‌پوستان فقیر نیواورلئان در آن‌ها ساکن بودند. اما سیاستمداران و سرمایه‌داران از هزینه‌های انسانی سیل به سود خود بهره‌برداری کردند.

خبری که گرداگرد پناهگاه سیل‌زدگان می‌گشت این بود که ریچارد بیکر، نماینده برجسته جمهوریخواه این شهر در کنگره، به جمعی از گروه‌های فشار و اعمال نفوذ پارلمانی گفته بود که: «بالاخره گلک‌خونه‌های دولتی نیواورلئان رو کن‌دیم. ما که خودمون از پس این کار بر نمی‌اومدیم. کار خدا بود» (ص ۱۸).

جوزف کاینزارو، یکی از ثروتمندترین بساز و بفروش‌های نیواورلئان نیز شهر ویران شده در اثر سیل را به صفحه خالی و نانوشته‌ای شبیه کرده بود که فرصت‌های خیلی خوبی را در اختیار آنان قرار می‌دهد که همه چیز را دوباره از اول شروع کنند. (همان) این «فرصت‌های خیلی خوب» برای او نابودی سیستم مسکن دولتی برای افزایش باران فقیر نیواورلئان و جایگزینی آن با مجتمع‌های آپارتمانی خصوصی بود.

همچنین میلتنون فریدمن سه ماه پس از سیل در مقاله‌ای در روزنامه *وال استریٹ ژورنال* می‌نویسد: «بیشتر مدارس نیواورلئان ویران شده و این بچه‌ها در سراسر کشور پخش شده‌اند. این در عین حال که یک تراژدی است اما، از سوی دیگر، فرصتی است برای آن‌که نظام آموزشی ایالت به صورت ریشه‌ای اصلاح شود» (ص ۱۹).

ستاد فکری نومحافظه کار «انستیتو امریکن انترپرایز» نیز در اظهار نظر مشابهی بیان داشت: «توفان کاترینا یک روزه به انجام چیزی نایل آمد که اصلاح‌گران مدارس لوئیزیانا، به رغم سال‌ها تلاش، از انجامش ناتوان بودند» (ص ۲۱). اما تمام این اصلاحات

ریشه‌ای و دستاوردهای مثبتی که به آن اشاره می‌شود چیزی نیست جز برچیده شدن مدارس دولتی و جایگزینی آن با نظام خصوصی و هزینه‌ای که از خزانه دولت (یعنی از جیب مردم) پرداخت می‌شود. ناثومی کلاین ضمن بیان آثار منفی سیاست‌های نولیبرالی «اجماع واشنگتن» در امریکای لاتین در دهه ۱۹۷۰ و سرکوب و اختناق اعمال شده توسط نظام‌های دیکتاتوری حامی این برنامه‌ها در آن قاره، آن چه را که در زندان‌های ابوغریب و گوانتانامو اتفاق افتاد ادامه همان شکنجه‌ها می‌داند (Stiglitz, 2007).

بر اساس این کتاب، میلتن فریدمن مبدع نظریه شوک و نهادهای مالی بین‌المللی‌ای مثل صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی مجریان آن هستند. فریدمن استاد دانشگاه شیکاگو تأکید می‌کند که شوک باید قبل از آن که مردم به خود بیایند اعمال شود. او معتقد است که دولت باید ظرف ۶ تا ۹ ماه تحولات اساسی مورد نظر اقتصاد بازار آزاد را پیاده کند. صندوق بین‌المللی پول هم راه حل‌های اجرایی و عملی خود را با اتکا به همین روش تجویز می‌کند. وی نتیجه‌گیری می‌کند که فریدمن و حامیان، به دلیل ناتوانی از به کرسی نشاندن این سیاست‌ها از طریق دموکراتیک، به قدرت شوک روی می‌آورند.

«پروفسور میلتن فریدمن، نویسنده کتاب سرمایه‌داری و آزادی، مدعی بود که کل دوران زمامداری بینوשה - یعنی ۱۷ سال دیکتاتوری و صدها هزار قربانی و شکنجه - نه تخریب خشونت‌بار آزادی و دموکراسی که عکس آن بوده است.» (ص ۱۳)

در حالی که در امریکای لاتین، بسیاری بین شوک‌های اقتصادی که میلیون‌ها نفر را به فقر کشاند و پدیده همه‌گیر شکنجه که صدها هزار دگراندیش و دیگرخواه را مجازات می‌کرد رابطه‌ای مستقیم می‌دیدند (ص ۲۳) فریدمن چشمانش را بر تمام اقدامات ضد انسانی و سرکوب آزادی و دموکراسی می‌بندد و می‌گوید: «نکته واقعی مهم درباره مسئله شیلی این است که بازارهای آزاد نقش خود را برای ایجاد جامعه آزاد ایفا کردند!» (ص ۱۳). این در حالی است که ادوارد و گالنانو، نویسنده اروگوئه‌ای، می‌پرسد: «اگر به واسطه شوک‌های الکتریکی شکنجه‌گران نبود، حفظ این نابرابری‌ها چگونه ممکن می‌شد؟» و هم او می‌گوید: «مردم زندانی شدند تا قیمت‌ها آزاد باشد.» (همان)

دقیقاً ۳۰ سال پس از آن که سه شکل مشخص شوک (شوک کودتای سازمان سیا، شوک‌های اقتصادی ابداعی میلتن فریدمن و شوک کشتار و شکنجه ابداعی دکتر ایون کامرون و اجرا شده به دست کودتاگران نظامی) را بر شیلی وارد آوردند، همین فرمول، با خشونت بس بیشتر، دوباره در عراق ظاهر شده است. نخست، با جنگ شروع کردند تا به گفته طراحان دکترین نظامی «شوک و ارعاب»، جنگ «اراده، ادراکات، و فهم دشمن را مهار کند و، به معنای واقعی کلمه، دشمن را از نظر عمل یا عکس‌العمل عقیم سازد». سپس، شوک درمانی ریشه‌ای اقتصاد از راه رسید و در حالی که کشور هنوز شعله‌ور بود، پل برمر، فرستاده ارشد امریکا، آن را بر عراق تحمیل کرد: «خصوصی‌سازی گسترده، تجارت خارجی کاملاً آزاد، وضع نرخ ثابت مالیاتی ۱۵ درصدی، و دولتی که به شکلی چشمگیر کوچک شده بود». علی عبدالامیر علوی، وزیر موقت عراق در امور تجاری، در آن برهه گفت که هموطنانش «از این که مثل حیوانات آزمایشگاهی در معرض انواع تجربه‌ها و آزمایش‌ها قرار گیرند خسته شده‌اند و

حال‌شان به هم می‌خورد. به اندازه کافی به نظام اقتصادی ما شوک وارد آمده است. بنابراین، به این شوک‌درمانی اقتصادی نیاز نداریم». آن‌گاه که عراقی‌ها مقاومت نشان دادند، جمعشان کردند، به زندان افکندند و در آن جا، شوک‌های بیشتری بر جسم و ذهن‌شان وارد آوردند - شوک‌هایی که، در مقام مقایسه با شوک‌درمانی اقتصادی، استعاری و تمثیلی نبودند (ص ۲۴).

کلاین در این کتاب معتقد است که شکنجه و به کارگیری جوخه‌های اعدام (و شکنجه‌های غیرجسمانی نظیر سرکوب نظام‌مند نهادهای دموکراتیک و استفاده صندوق بین‌المللی پول از ابزار وام برای گوشمالی دادن کشورها)، شریکی بی‌سر و صدا در نهضت تهاجمی بازار آزاد جهانی - از شیلی و آرژانتین گرفته تا چین و عراق و روسیه - بوده است. (همان)

ناثومی کلاین در فصل آخر به مقاومت‌های مردمی و روی کار آمدن دولت‌های چپ‌گرا در امریکای لاتین می‌پردازد. این انتخاب‌های مردمی در قالب انتخابات که در عکس‌العمل به آثار ویرانگر سیاست‌های نولیبرالی اجماع واشنگتن و تنزل آشکار سطح زندگی اکثریت مردم انجام شده، اغلب کشورهای امریکای لاتین را در قرن ۲۱ دربرگرفته است. از روی کار آمدن هوگو چاوز و ایوو مورالس در ونزوئلا و بولیوی گرفته تا دانیل اورتگا و لولا داسیلوا و باشلت در نیکاراگوئه و برزیل و شیلی و رافائل کوریا در اکوادور، همه حکایت از اوج گرفتن سوسیالیسم قرن بیست و یکم - بر پایه دموکراسی مشارکتی در امریکای لاتین دارد.

وی بر خلاف مخالفان دولت‌های چپ‌گرا و طرفداران نولیبرالیسم که پوپولیسم و عوام‌گرایی را عامل مؤثری در به قدرت رسیدن این دولت‌ها در امریکای لاتین معرفی می‌کنند، اتفاقاً نیروهای سیاسی مخالف آن‌ها را به اتخاذ چنین سیاست‌هایی منتسب می‌کند.

از هنگام واژگونی اقتصاد آرژانتین در سال ۲۰۰۱، مخالفت با خصوصی‌سازی مسئله تعیین‌کننده امریکای لاتین شده است. این مخالفت می‌تواند دولت تعیین کند و دولتی را از جا بر دارد، و در اواخر سال ۲۰۰۶ عملاً باعث ایجاد یک سری تغییرات پی در پی در امریکای لاتین شد. انتخاب دوباره لولا داسیلوا به ریاست جمهوری برزیل بیشتر به این دلیل بود که وی رأی‌گیری انتخاباتی را به یک همه‌پرسی در مخالفت با خصوصی‌سازی تبدیل کرده بود. رقیب او، از حزبی که مسئولیت فروش شرکت‌های بزرگ دولتی برزیل در دهه ۹۰ را بر عهده داشت، به این ترفند متوسل شد که با ظاهر یک راننده سوسیالیست مسابقات اتوموبیل‌رانی ملیس به کاپشن و کلاهی لبه‌دار با آرم‌های شرکت‌های دولتی هنوز فروش نرفته، در انتظار عمومی ظاهر شود. اما رأی دهندگان فریب نخوردند و ۶۱ درصدشان، با وجود سرخوردگی از رسوایی‌های فساد در دولت لولا، یک‌بار دیگر به او رأی دادند. دیری نپایید که دانیل اورتگا، رهبر پیشین ساندنیست‌ها در نیکاراگوئه، خاموشی‌های پیاپی کشور را محور مبارزات پیروزمندان خود کرد. وی گفت فروش شرکت ملی برق به مؤسسه اسپانیایی «یونیون فنوسا» بعد از توفان «میچ»، علت اصلی خاموشی‌های کشور بوده است. او فریاد می‌کشد: «شما برادران هر روز از اثر این خاموشی‌ها در رنجید. چه کسی یونیون فنوسا را به این کشور راه داده است؟ دولت ثروتمندان این کار را کرده است، کسانی که در خدمت سرمایه‌داری وحشی‌اند.» (ص ۶۴۲)

ناثومی کلاین در این کتاب اجرای سیاست‌های بازارمحور

نولیبرالیسم توسط ایالات متحده و متحدشان را به چالش می‌گیرد و با تبحر و ظرافت قابل تحسینی نشان می‌دهد که همواره در طول تاریخ، ایده‌های آزادسازی افراطی نزد مردم محبوبیت نداشته است. وی معتقد است اجرای این گونه سیاست‌ها به وسیله اقتصاددانان نولیبرال پیرو «مکتب شیکاگو» (نظریه‌های اقتصادی دانشگاه شیکاگو) در صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی نتیجه برنامه‌ریزی‌های آمریکا برای نفوذ به ساختار داخلی تصمیم‌گیری کشورهای جهان سوم است.

این کتاب همچنین چالشی در مقابل این ادعای نولیبرالی است که گویا دموکراسی و بازارهای آزاد لازم و ملزوم یکدیگرند. خانم نائومی کلاین در این کتاب این ادعا را به چالش می‌کشد و با ارائه پی در پی نمونه‌هایی روشنگر، نشان می‌دهد که در حالی که مدل اقتصادی «مکتب شیکاگو» تحت شرایط دموکراتیک فقط به صورت نیم‌بند می‌تواند تحمیل شود، پیاده کردن آن به طور کامل نیازمند شرایط استبدادی است (مارگارت تاچر، نخست وزیر سابق بریتانیا و مرید سرسخت فردریک فون هاپک و میلتن فریدمن، خود در فوریه ۱۹۸۲ نام‌های به‌هائیک اذعان می‌کند که «به سبب وجود نهادهای دموکراتیک و ضرورت اجماع نسبتاً فراگیر، برخی از تمهیدات اتخاذ شده در شیلی در بریتانیا کاملاً غیرقابل قبول خواهد بود»).

خانم کلاین در جای جای این کتاب نشان می‌دهد که سرمایه‌داری بنیادگرا نه فقط با دموکراسی عجین نیست، بلکه نوزادی است که قابله‌اش بی‌رحمانه‌ترین شکل‌های قهر و اجبار بوده است. قهر و اجباری که ضرباتش هم بر پیکر جامعه سیاسی و نیز بر بدن‌های رنجور تعداد بی‌شماری از افراد جامعه وارد آمده است.

۱. اصطلاح اجماع (توافق) واشنگتن (Washington Consensus) برای اولین بار در سال ۱۹۸۹ توسط جان ویلیامسون برای توصیف مجموعه‌ای از ۱۰ سیاست اصلاحی مشخص به کار رفت. این سیاست‌ها که اجرای آن‌ها برای حل بحران‌های اقتصادی کشورهای در حال توسعه توصیه می‌شد، عمدتاً توسط نهادهای مالی جهانی (صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی) و خزانه‌داری ایالات متحده ترویج می‌شدند (Rodrick, 2006).

واژه «واشنگتن» در عنوان این اصطلاح، اشاره دارد به:

الف) فهرستی از سیاست‌هایی که واشنگتن تلاش می‌کند که آن‌ها را بر جهان تحمیل کند.

ب) تلاش واشنگتن در جهت کسب اعتبار برای برخی از اصلاح‌طلبانی که در حال اجرای برنامه‌های اصلاحی مورد نظر واشنگتن هستند (Williamson, 2004:2)

اجماع واشنگتن در اکثر موارد به «بنیادگرایی بازار» اشاره دارد و در پیوند با سیاست‌های نولیبرالی، خواستار افزایش الزامات بازار بر دولت و همچنین افزایش تأثیر جهانی‌سازی بر حاکمیت ملی کشورهای است (Rodrick, 2006).

به بیان نائومی کلاین، این سیاست‌ها، که فنی و دارای مقبولیت عام تصویر می‌شد، ادعاهای ایدئولوژیک محضی چون «خصوصی‌سازی (همه) بنگاه‌های دولتی» و «حذف موانع ورود مؤسسات خارجی» به کشور را شامل می‌شد و این سیاست‌ها چیزی جز سه‌گانه نولیبرالی فریدمن نبود:

«خصوصی‌سازی، حذف مقررات، تجارت آزاد و کاهش شدید هزینه‌های عمومی دولت». به گفته ویلیامسون این‌ها سیاست‌هایی بودند که «قدرت‌های مستقر در واشنگتن مصر بودند کشورهای امریکای لاتین آن‌ها را اتخاذ کنند» (کلاین، ۱۳۸۹: ۲۴۶) و برخورد مستعمراتی «مکتب اقتصادی شیکاگو» با «صندوق بین‌المللی پول» و «بانک جهانی» را که تا حد زیادی مسکوت مانده بود، رسمیت داد (همان: ۲۴۵).

۲. دفترهای پیشین این مجموعه عبارت بودند از:

— اعترافات یک جنایتکار اقتصادی، جان پرکینز، ترجمه

میرمحمود نبوی و مهرداد (خلیل) شهبابی، نشر اختران، ۱۳۸۵

— به من دروغ نگو! (گزارش‌هایی تاریخ‌ساز از

روزنامه‌نگاران کاوشگر)، به کوشش جان پیلجر، ترجمه مهرداد (خلیل)

شهبابی و میرمحمود نبوی، نشر اختران، ۱۳۸۷.

— اربابان جدید جهان، جان پیلجر، ترجمه مهرناز شهبابی و مهرداد

(خلیل) شهبابی، نشر اختران، ۱۳۸۸.

۳. از ویژگی‌های سوسیالیسم قرن بیست و یکم برقراری دموکراسی و

شرکت مردم در آن است. در این ساختار، دموکراسی فقط در چارچوب

«شرکت در انتخابات» معنا نمی‌شود، بلکه همه مردم، نه فقط نخبگان،

قدرت دارند و به یک نسبت در راه‌برد قدرت نقش دارند و در همه کارهای

عمومی دست‌اندرکارند. رأی‌دهندگان حقوق‌شان را به دست نماینده‌ها

نمی‌سپارند و نماینده‌ها برای کار نمایندگی‌شان حقوق دریافت نمی‌کنند،

بلکه زندگی‌شان را از راه کارهای ویژه و تخصصی خود می‌گذرانند،

بدین ترتیب به سیاستمداران حرفه‌ای تبدیل نمی‌شوند

(Harnecker, 2010).

سرچشمه‌ها:

— صادقی بروجنی، خسرو (۱۳۸۸). «راه توسعه از مسیر فلاکت نمی‌گذرد

(طرح تحول اقتصادی و نولیبرالیسم اقتصادی)»، سایت تحلیلی

البرز، <http://alborznet.ir/Fa/ViewDetail.aspx?T=2&ID=231>

— Harnecker, Marta (2010). *Latin America & Twenty - First Century Socialism: Inventing to Avoid Mistakes*,

<http://monthlyreview.org/100701harneckerIntro.php>.

ترجمه فارسی این اثر توسط دکتر اکرم پدramنیا منتشر خواهد شد.

— Rodrik, Dani (2006). *Goodbye Washington Consensus*,

Hello Washington Confusion?, Harvard University,

<http://ksghome.harvard.edu/~drodrik/Lessons%20of%20the>

[%201990s%20review%20-JEL-.pdf](http://ksghome.harvard.edu/~drodrik/Lessons%20of%20the%201990s%20review%20-JEL-.pdf).

— Stiglitz, Joseph (2007). *Bleakonomics*, *New York Time*,

September 30, <http://www.nytimes.com/2007/09/30/books/review/Stiglitz-t.html>.

— Williamson, John (2004). *The Washington Consensus as*

Policy prescription for Development, Institute for International

Economic, <http://www.iie.com/publications/papers/williamson>

0204.pdf.